

Investigating the dimensions of political instability in new Iraq The role of the conflict between particular and general groups in ethnic-religious violence

Received: 2018-12-28

Accepted: 2019-04-07

Muhammad Sotoudeh *

Hemmat Badrabadi **

The main goal of this article is to investigate how the role of particular and general groups affect the stability of ethnic-religious violence in New Iraq, with an emphasis on Harry Eckstein's idea of "the recognition of the nature and type of violent behavior". The research was conducted with descriptive analytical method, and the method of data gathering was library. The results showed that incongruent cultural-social texture and tribalism dominating the pyramid of power in the Iraqi state constitute political rivalries based on ethnic and religious relations, which resulted in the emergence of a new level of violence among particular groups against particulars, particulars against general, and general against particulars, as fragile state and demands of each group for assuming power based on tribalism point of view have escalated the situation.

Keywords: Political Stability, Ethnic-Religious Confrontations, Iraq, Violence, Harry Eckstein.

*Associate Professor, Faculty of Political Sciences, Baqir al-Olum University, (sotoudeh@bou.ac.ir).

**Ph.D Student, Department of Political Sciences, Baqir al-Olum University, (Corresponding Author) (hemmatbadrabadi@yahoo.com).

بررسی ابعاد بی‌ثباتی سیاسی در عراق جدید

نقش تقابل گروه‌های خصوصی و عمومی در خشونت‌های قومی - مذهبی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۱/۱۸

محمد ستوده *

همت بدرآبادی **

هدف اصلی این مقاله، بررسی چگونگی تاثیر نقش تقابل گروه‌های خصوصی و عمومی در پایداری خشونت‌های قومی - مذهبی در عراق جدید با تاکید بر ایده‌ی «هری اکشتین» (شناسایی ماهیت و نوع رفتار خشونت‌آمیز) بود. پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و شیوه گردآوری اطلاعات مطالعه کتابخانه‌ای بود. یافته‌ها نشان داد، بافت اجتماعی - فرهنگی ناهمگن و ساخت ذهنی طایفه‌گرایی حاکم بر هرم قدرت کشور عراق، رقابت‌های سیاسی را براساس مناسبات قومی و مذهبی رقم زده و این امر به ظهور سطح جدیدی از خشونت در میان گروه‌های خصوصی علیه خصوصی، گروه‌های خصوصی علیه عمومی و گروه‌های عمومی علیه خصوصی منتهی شده و دولت شکننده و سهم‌خواهی هرکدام از گروه‌ها براساس نگاه طایفه‌گرایانه بر شدت آن افزوده است.

کلیدواژه‌ها: ثبات سیاسی، رقابت قومی - مذهبی، عراق جدید، خشونت، هری اکشتین.



سال بیست و یکم / شماره هشتاد و چهارم / زمستان ۱۳۹۷

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (س) قم (sotudeh@bou.ac.ir).

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (س) قم، (نویسنده مسئول)

(hemmatbadrabad@yahoo.com)

هر دولتی در دوران گذار باید بتواند به سطح مطلوبی از ثبات سیاسی دست یابد که تعارضات محدود شده و بر سر قواعد رقابت میان بازیگران با یکدیگر توافق حاصل شود. بنابراین اگر دولت از قابلیت و توانایی مناسب برای تامین نیازهای جامعه برخوردار نباشد، این تغییرات جلوه‌هایی از بی‌اعتمادی و ناهنجاری را به وجود می‌آورند؛ در چنین شرایطی، افراد و گروه‌های سیاسی و اجتماعی برای برطرف نمودن نیازهای بنیادین خود به ابزارهای غیرمسالمت‌آمیزی متوسل می‌شوند که زمینه‌ی ظهور تضادهای سیاسی را فراهم آورده و به افزایش خشونت و بی‌ثباتی سیاسی دامن می‌زند.

جامعه‌ی عراق با سقوط رژیم بعث در فرایند گذار قرار گرفت. از یک سو نبود شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناسب، با وجود ساختارهای اجتماعی مبتنی بر شکاف‌های قومی- مذهبی؛ و از سوی دیگر شکنندگی دولت به دلیل ناتوانی در تامین نیازهای جامعه، بسترساز تحقق سیاست‌های قومی- مذهبی در عراق جدید از سال ۲۰۰۳ به این سو بوده است.

در چنین فضایی هر کدام از جریان‌ها به دلیل عدم استقرار دولت کارآمد، با رویکرد قوم‌گرایانه به منظور حفظ امنیت قوم و گروه خود اقدام به تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی کرده‌اند. گروه‌های سنی که از قدرت دور شده بودند، با تکیه بر گروه القاعده و حزب بعث، با رویکرد طایفه‌گرایانه به رفتار خشونت‌آمیز علیه دیگر گروه‌های اجتماعی دست زدند. در مقابل، برخی از گروه‌های شیعی از جمله شیعیان طرف‌دار مقتدی صدر، گروه شبه‌نظامی تشکیل دادند؛ کردها نیز با استفاده از شبه‌نظامیان موسوم به پیش‌مرگه به تقابل قومیتی با اعراب در موضوع کرکوک پرداختند. این مساله موجب تشدید منازعات قومی و مذهبی شده و به فرقه‌گرایی و تحقق ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی دامن زده است.

مهم‌ترین پرسش این است که چرا عراق جدید دچار بی‌ثباتی سیاسی است؟ چگونه رقابت قومی- مذهبی، موجب تقویت بی‌ثباتی سیاسی در عراق جدید شده است؟ تلاش خواهیم کرد با اتخاذ رویکرد سیاسی و با استفاده از ایده‌ی "هری اکشتین" چگونگی تاثیر رقابت‌های قومی- مذهبی بر بی‌ثباتی عراق را مورد بررسی قرار دهیم؛ بر اساس این ایده، از طریق شناسایی ماهیت گروه و مشخص کردن نوع خشونت‌ی که منجر به بی‌ثباتی شده است، به بررسی وضعیت بی‌ثباتی سیاسی در جامعه عراق خواهیم پرداخت.





۱. چارچوب مفهومی و ادبیات تحقیق

"ثبات سیاسی" از جمله‌ی مفاهیمی است که فهم یک‌سانی از آن در بین نخبگان وجود ندارد. پنج رهیافت در تعریف ثبات سیاسی ارائه شده است: ۱. ثبات سیاسی به‌مثابه نبود خشونت؛ ۲. ثبات سیاسی به‌مثابه طولانی‌بودن دوران حکومت؛ ۳. ثبات سیاسی به‌مثابه وجود رژیم مشروع مبتنی بر قانون اساسی؛ ۴. ثبات سیاسی به‌مثابه نبود دگرگونی ساختاری؛ ۵. ثبات سیاسی به‌مثابه وجود ویژگی‌های چندگانه‌ی اجتماعی (احمدی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۴). هریک از این رهیافت‌ها در تعریف مفهوم ثبات سیاسی، گاهی جنبه‌ی ایجابی و گاهی جنبه‌ی سلبی دارند. "ثبات سیاسی" با "نبود خشونت" این‌همانی دارد؛ چنین نگرشی، رایج‌ترین دیدگاه پیرامون ثبات سیاسی است که از سوی برخی اندیشمندان مانند "چارلز تیلی" و "تد رابرت گر" بیان شده است. در این نگاه، وجود یا عدم وجود خشونت، ملاک مهمی برای تعیین ثبات یا بی‌ثباتی است.

چارلز تیلی (۱۳۸۵)، خشونت را عبارت از اقدامی می‌داند که به اشخاص یا اشیا صدمه وارد می‌سازد (ص. ۷۶). "ساندرز" (۱۳۸۰) بی‌ثباتی سیاسی را به‌معنای انحراف از هنجار دانسته است (ص. ۱۷۲). "هری اکشتین" خشونت را به‌مفهوم سیاسی و گسترده‌تر در نظر گرفته و آن را با "بی‌نظمی مدنی" برابر دانسته است؛ وی خشونت را توسل جمعی به روش‌های غیرمسالمت‌آمیز و خشونت‌بار به‌منظور دستیابی به اهداف خاص خصوصی یا عمومی می‌داند. براساس نظر اکشتین، دو گروه خصوصی و عمومی ممکن است در یک جامعه به خشونت متوسل شوند؛ گروه‌های عمومی گروه‌هایی هستند که با دولت رابطه دارند و بخشی از دولت محسوب می‌شوند، اما گروه‌های خصوصی، خارج از دولت‌اند (Eckstein, ۱۹۷۱، ص. ۳۲). با در نظر گرفتن ماهیت گروه‌ها و نوع رفتار خشونت‌آمیزی که از خود بروز می‌دهند، می‌توان یک طبقه‌بندی چهارگونه‌ای از این گروه‌ها ارائه کرد: ۱. خشونت گروه‌های خصوصی علیه گروه‌های عمومی (جنگ‌ها و مبارزات چریکی علیه دولت)؛ ۲. خشونت گروه‌های خصوصی علیه گروه‌های خصوصی (کشمکش‌های خشونت‌بار قومی - مذهبی)؛ ۳. خشونت گروه‌های عمومی علیه گروه‌های عمومی (کودتا توسط بخشی از ارتش علیه دولت)؛ ۴. خشونت گروه‌های عمومی علیه گروه‌های خصوصی (منازعات دولت علیه گروه‌های غیردولتی) (احمدی، ۱۳۸۵، صص. ۱۱۰-۱۱۱).

در این مقاله می‌کوشیم با استفاده از ایده‌ی اکشتین، معطوف به ماهیت گروه‌ها و نوع رفتار خشونت‌آمیزی که در صحنه‌ی سیاسی از خود ظهور می‌دهند، به تحلیل وضعیت

بی‌ثباتی سیاسی در عراق بپردازیم.

مهم‌ترین وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین این است که به مؤلفه‌ی رقابت قومی- مذهبی به‌عنوان عاملی مستقل و تاثیرگذار بر کنش‌های سیاسی عراق، توجه مضاعفی دارد و سعی می‌کند با نگاهی متفاوت به نزاع‌های قومی و فرقه‌گرایی، بی‌ثباتی سیاسی عراق جدید را تبیین نموده و به تصویر روشنی از ماهیت گروه‌های شرکت‌کننده در رقابت‌های سیاسی این کشور دست یابد.

۲. ثبات و بی‌ثباتی سیاسی در عراق جدید

بافت اجتماعی ناهمگن و وجود گروه‌های قومی- مذهبی مختلف در عراق، زیربنای اصلی تعاملات و کنش‌های سیاسی- اجتماعی و منشا شکاف‌های قومی و مذهبی این کشور است که به‌صورت منازعات "کرد- عرب" و "شیعه- سنی" همواره در تاریخ عراق بروز پیدا کرده است. با سقوط صدام و شکل‌گیری عراق جدید، اگرچه این امید وجود داشت که شکاف‌های قومی و مذهبی مرتفع شوند، اما سه گروه اصلی قومی و مذهبی با گرایش‌های متفاوت و با هدف افزایش قدرت و نفوذ خود در ساختار سیاسی جدید در عراق، وارد مجادلات قدرت شدند و اولویت‌های کلان ملی را در اولویت‌های بعدی خود قرار دادند. نگاه منفعت‌طلبانه‌ی مبتنی بر بنیان‌های قومی و مذهبی به تشدید تعارضات ساختاری انجامیده و خشونت‌های قومی- مذهبی این کشور را تشدید کرده است (گلچین و احمدی‌مقدم، ۱۳۹۷، ص. ۲۰).

حمله‌ی آمریکا به عراق، آغاز دوره‌ی جدیدی از تعارضات داخلی به‌صورت رفتارهای خشونت‌آمیز بوده است که طی آن، گروه‌هایی با اهداف خصوصی و عمومی در قالب اقدامات تروریستی و انتحاری به‌وجود آمده‌اند. دولت جدید در این دوره بیش‌تر نمادی از یک دولت ناکام و به‌شدت شکننده بوده است. طی گزارش‌های سالانه‌ی "بنیاد صلح" که فهرست دولت‌های شکننده را منتشر می‌کند، عراق در سال ۲۰۱۷ از میان ۱۷۸ کشور، با امتیاز ۱۰۲،۲ در جایگاه ۱۶۹ جهان قرار داشت (پایگاه برخط بنیاد صلح، بی‌تا).

به‌لحاظ وضعیت بی‌ثباتی می‌توان گفت که عراق جدید، نماد یک جامعه‌ی به‌شدت بی‌ثبات است. عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون همواره درگیر خشونت، انفجارهای پیاپی، درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی است. مطابق آمارهای اعلام‌شده از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷، آمار کشته‌های غیرنظامی، ۱۸۹۸۰۸ نفر اعلام شده است (IBC، بی‌تا).

بازشدن فضای سیاسی و کاهش قدرت دولت مرکزی تاثیر مستقیمی بر افزایش





تنش‌ها و مناقشات قومی - مذهبی این کشور داشت؛ اگرچه روند دولت‌سازی جدید در قالب دموکراسی توانست توازنی میان گروه‌ها و طیف‌های مختلف ایجاد کند، اما رویکرد گروه‌های مختلف داخلی - از جمله شیعیان، کردها و اعراب سنی - به مقوله‌ی مشارکت سیاسی، با توجه به ویژگی‌ها و منافع و اهداف کلان هر کدام از آن‌ها متفاوت بوده است. اهداف کلان این گروه‌ها بیش از آن‌که ناظر بر اهداف ملی یک‌پارچه باشد، گروه‌محور و طایفه‌گرایانه بوده است.

این دغدغه مطرح بود که روند سیاسی جدید، موجب زوال سیطره‌ی اشخاص و گروه‌هایی خواهد شد که قبلاً بر عراق مستولی بوده‌اند؛ لذا افرادی که از این وضع زیان می‌دیدند، به دنبال ایجاد بی‌ثباتی سیاسی برآمدند. در فضای آکنده از طایفه‌گرایی و فعالیت طیف‌های پراکنده و متعارض، عراق در یک معمای امنیت و بی‌ثباتی سیاسی قرار گرفت. این وضعیت را می‌توان با در نظر گرفتن ماهیت گروه‌ها و نوع رفتار خشونت‌آمیزی که از خود بروز می‌دهند، در قالب: "خشونت گروه‌های خصوصی علیه گروه‌های عمومی"، "خشونت گروه‌های خصوصی علیه گروه‌های عمومی"، "خشونت گروه‌های عمومی علیه گروه‌های عمومی" و "خشونت گروه‌های عمومی علیه گروه‌های خصوصی" مورد مطالعه قرار داد. لذا به مهم‌ترین گروه‌های شبه‌نظامی با علقه‌های قومیت‌گرایانه (سنی، کردی و شیعی) خواهیم پرداخت و از آن‌جایی که خشونت گروه عمومی علیه سایر گروه‌های عمومی از ۲۰۰۳ تاکنون مابه‌ازای خارجی در عراق نداشته است، به آن پرداخته نخواهد شد.

۳. نزاع گروه‌های خصوصی علیه گروه‌های خصوصی

به نظر می‌رسد با توجه به میان‌فرقه‌ای بودن خشونت‌ها می‌توان حوادث سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ عراق را، نزاع‌های قومی - مذهبی دانست. خشونت در این دوره در سطح جامعه انتشار یافت و هر کدام از گروه‌ها برای تحکیم هویت خود، دست به اقدامات خشونت‌آمیز زدند. گروه‌های شیعی و سنی در تقابل با یک‌دیگر و به منظور حفظ و حمایت از گروه‌های وابسته به خود، گروه‌های شبه‌نظامی ایجاد کردند. این نگاه هویتی، روند ثبات سیاسی جامعه‌ی عراق را تحت‌تأثیر قرار داد. مواجهه‌ی گروه "القاعده" به‌عنوان نماینده‌ی گروه سنی با گروه شیعی "جیش‌المهدی" و هم‌چنین نزاع میان کرد و عرب نمونه‌هایی از این دست هستند.

۳،۱. القاعده (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷)

با سقوط رژیم بعث و ایجاد خلاء قدرت، علی‌رغم تلاش‌های گسترده در جهت تامین ثبات سیاسی، از جمله تصویب قانون اساسی و تشکیل دولت دائمی با مشارکت همه‌ی گروه‌ها و ... این روند نتوانست شرایط ثبات سیاسی را بهبود بخشد. در این اوضاع، گروه‌های سلفی و القاعده به‌عنوان یکی از قدرت‌مندترین گروه‌ها توانستند علیه نیروهای خارجی اقدامات مسلحانه‌ای انجام دهند.

القاعده‌ی عراق توسط برخی اسلام‌گرایان تندرو هم‌چون "ابومصعب زرقاوی" و "ابوحمزہ المهاجر" در شهر بعقوبه عراق بنا نهاده شد و توانست به‌سرعت شبکه‌ی حامیان و جنگ‌جویان خود را شکل ببخشد. آن‌ها اگرچه به‌لحاظ فنی به القاعده‌ی مرکزی وابسته بودند، اما در عمل خودمختار عمل می‌کردند. در سال ۲۰۰۶ با توجه به اختلافاتی که میان رهبران القاعده ایجاد شد، زرقاوی شمار محدودی از جناح‌های عراقی را تحت عنوان "مجلس شورای مجاهدین" شکل داد؛ این شورا ابتدا با نام "جماعت التوحید و الجهاد"، سپس به‌نام "تنظیم قیاده الجهاد فی البلاد الرافدین" و در مرحله‌ی بعد به‌نام "دولت اسلامی عراق" در مناطق سنی‌نشین عراق فعال شد (مومنی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۴).

القاعده آرمان خود را تحقق خلافت اسلامی می‌دانست و هدف کوتاه‌مدت‌اش را شکست دادن نیروهای تحت رهبری آمریکا در عراق و سرنگونی حکومت تحت رهبری شیعیان به‌وسیله‌ی جنگ داخلی میان سنی‌ها و شیعیان تعریف و دنبال می‌کرد. این گروه در ژوئن ۲۰۰۶ ضمن جذب چهار گروه دیگر از گروه‌های جهادی سنی، هم‌صدا با قبائل عرب عراقی اعلام کرد که هدف آنان آزادکردن عراق از دست شیعیان و اشغال‌گران خارجی و بازگرداندن اسلام به دوران طلایی خود است (اسماعیلی، ۱۳۹۰، ص. ۵۰).

کنش سیاسی این گروه براساس عقبه‌ی ایدئولوژیک‌اش تئوریزه می‌شد و با برداشت ظاهرگرایی از اسلامی توجیه می‌گشت. القاعده هدف اصلی خود را ایجاد دولتی می‌دانست که بشریت را از پرتگاه سقوط بیرون بکشد؛ به‌نظر آن‌ها این مهم محقق نمی‌شود مگر با پیاده‌کردن ارزش‌های اسلامی در سراسر جامعه. از این‌رو برای پیاده‌کردن اسلام، استفاده از خشونت را به‌عنوان جزئی از جنگ مقدس (جهاد) توجیه می‌کردند و آن را مشروعیت می‌دادند (مهدی‌بخشی، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۵). درواقع، جهاد به‌مثابه بخش ذاتی گفتمان القاعده به امری مقدس تبدیل شده و در قاموس شهادت و احیای جنگ صلیبی علیه کفار معنا





پیدا می‌کرد (مستقیمی و بهرامی، ۱۳۸۹).

از دیگر اندیشه‌هایی که در عمل سیاسی القاعده تاثیرگذار بود، تکفیر و دگرسازی و خلق دشمن با عناوینی هم‌چون: کافران، مشرکان و منافقان است. از نظر آن‌ها، مسیحیان و یهودیان به‌همراه پیروان ادیان دیگر در گروه کافران قرار می‌گیرند؛ برخی پیروان اهل سنت نیز از جمله‌ی منافقان هستند و شیعیان، گاه در گروه منافقان و گاه جزو مشرکان تعریف می‌شوند (اسماعیلی، ۱۳۹۰، ص. ۵۰).

در میان گروه القاعده در خصوص اتفاقات عراق دو عقیده وجود داشت: اول، حمله‌ی آمریکا و اشغال عراق را یک اشغال از سوی قدرت امپریالیستی می‌دانستند؛ از نظر آن‌ها حمله‌ی آمریکا به عراق تنها قسمتی از حمله‌ی جهانی به اسلام و اشغال سرزمین اسلامی توسط اسرائیل و آمریکا است. دوم، شیعیان نیز مانند آمریکایی‌ها هستند و برای جامعه‌ی اسلامی تهدید محسوب می‌شوند. القاعده معتقد بود که اشغال بیگانه هنوز به پایان نرسیده، بلکه اشغال شیعه جای اشغال آمریکا را گرفته است؛ به این ترتیب بود که شعار: "بغداد توسط شیعیان اشغال شده" در میان اعراب سنی رواج یافت (سمعی اصفهانی و نوروزی‌نژاد، ۱۳۹۲). این وضعیت منجر به همکاری سنی‌های مخالف دولت با القاعده در استان‌های سنی‌نشین و شکل‌گیری نیرویی قوی در برابر نیروهای آمریکایی و دولت مرکزی شد و از این طریق توانستند نفوذ خود را در بسیاری از مناطق سنی‌نشین افزایش دهند.

رهبران القاعده تحقق جنگ داخلی بین گروه‌های شیعی و اعراب سنی از طریق کشاندن شبه‌نظامیان شیعی به واکنش نظامی را مبنای عمل خود قرار دادند. زرقاوی این استراتژی را با این محاسبه اتخاذ کرد که جنگ داخلی حداقل می‌تواند تلاش‌های دولت مرکزی برای کنترل سیاسی بر عراق را تضعیف کند؛ از این‌رو حول ایجاد جنگ فرقه‌ای داخلی و سپس منطقه‌ای از طریق عملیات‌های انتحاری متمرکز شدند و تلفات سنگین به غیرنظامیان شیعی وارد نمودند (اسدی، ۱۳۸۸).

القاعده با استفاده از سیاست شیعه‌ستیزی، به دنبال تحریک شیعیان و سنی‌ها علیه یک‌دیگر بود. زرقاوی با تقسیم دشمنان القاعده به چهار گروه: آمریکایی، کرد، پلیس عراق و شیعیان، گروه اخیر را به‌عنوان بزرگ‌ترین دشمن القاعده معرفی می‌کرد. به‌زعم وی، شیعیان دشمنان در کمین‌اند؛ دشمنی که لباس دوست برتن کرده و خطری آشکار و حقیقی است و قتل آنان از خوار و واجب‌تر است. زرقاوی شیعیان را کلید تحولات سیاسی

برای تغییر در عراق می‌دانست و معتقد بود:

اگر بتوانیم عمق دینی سیاسی و نظامی شیعیان را مورد هدف قرار دهیم، در این صورت آن‌ها نیز تحریک می‌شوند و خوی وحشیگری خود را به اهل سنت نشان می‌دهند؛ آن‌گاه خواهیم توانست اهل سنت غافل را در هنگام احساس خطر موجود و مرگ حتمی به دست این افراد آگاه کنیم. (تاجیک، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۸)

براین اساس، القاعده به تشویق اهل سنت برای مشارکت در جنگ علیه شیعیان پرداخت و اعلان کرد: اهل سنت عراق بپاخیزید و آماده شوید و این سموم رافضی‌ها (شیعیان) را که شما را از زمان اشغال عراق عذاب می‌دهند، به بیرون برانید (محمودیان ۱۳۹۰، ص. ۱۲۰).

استراتژی القاعده در صورت موفقیت می‌توانست نیروهای نظامی امریکایی را مجبور به خروج از عراق کند و دولت مرکزی شیعی را در مقابله با حملات القاعده آسیب‌پذیر کرده و منجر به سقوط آن‌ها شود. از سال ۲۰۰۳ و با افزایش اقدامات خشونت‌گرایانه‌ی القاعده در مواجهه با شیعیان، منازعات فرقه‌گرایانه، به‌خصوص بعد از انفجار سامرا در فوریه‌ی ۲۰۰۶ افزایش یافت. این وضعیت، قطبی‌شدن جامعه و افزایش خشونت‌ها را در پی داشت (اسدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۳). از ابتدای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷، ۹۶ هزار غیرنظامی به‌واسطه‌ی جنگ و خشونت جان‌شان را از دست دادند (IBC، بی‌تا). هم‌چنین انفجارهای دو مرکز شیعی در سامرا در فوریه‌ی ۲۰۰۴، حملات هم‌زمان به بغداد و کربلا در مراسم عاشورا، بمب‌گذاری در مسجد العسکری سامرا در فوریه‌ی ۲۰۰۶ و وضعیت خشونت در این دوره را تشدید نمود و منجر به سیاست مقابله از سوی گروه‌های شیعی گردید.

۳،۲. جیش‌المهدی

"جیش‌المهدی" جریان اسلام‌گرا با رویکرد ملی‌گرایی عراقی است که در سال ۲۰۰۳ پس از سقوط صدام توسط مقتدی صدر تاسیس شد. این جنبش خود را حامی تمام مردم عراق، بالاخص شیعیان، می‌داند. اعتقادات سیاسی و مذهبی و سخنانی‌های آتشین مقتدی صدر علیه اشغال‌گران و تشکیل حکومت اسلامی در عراق، توانسته است صدها هزار نفر از طیف‌های پرشور شیعی عراق را به‌سوی خود جذب کند. او به‌پیروی از پدرش بر این اعتقاد است که مرجعیت بر همه‌ی امور مقلدانش ولایت دارد و باید در همه‌ی امور سیاسی و غیرسیاسی حضور فعال و تعیین‌کننده داشته باشد تا در موقع حیاتی، به مرکزیتی برای هدایت همه‌ی مقلدان مذهبی در دفاع از ارزش‌های دینی و ملی بدل گردد (ترابی و دیگران، ۱۳۹۳، صص. ۹۶-۹۹). این جریان دربرگیرنده‌ی جوانان محروم، فقیر و افراد بیکار شیعی



است که سطح تحصیلات پایینی دارند و عمده‌ترین دلیل عضویت‌شان را در چپ‌های برای کسب حقوق ماهیانه می‌دانند (الزبیدی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۵۷). این جریان، رادیکال‌ترین رویکرد در مقایسه با سایر گروه‌های شیعی است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های جیش‌المهدی، شخصیت با نفوذ و کارزماتیک مقتدی صدر است، تاجایی که جایگاه هر فرد از اطرافیان وی با توجه به نزدیکی یا دور بودن از او تعریف می‌شود. این گروه از یک تشکیلات سیاسی ضابطه‌مند برخوردار نیست و صرفاً وفاداری به مقتدی صدر، تنها کلید حفاظتی صیانت‌کننده این تشکیلات است (همان، ص. ۲۵۴). جریان صدر از طریق توانایی رهبر گروه، بر بسیج توده‌های محروم جامعه‌ی شیعی تکیه دارد و سعی می‌کند با استفاده از هویت پررنگ عربی و مذهبی، عملکرد ملی داشته باشد. جیش‌المهدی پایگاه‌های گسترده‌ای در میان اقشار محروم جامعه دارد و عمدتاً در شهرهای جنوبی عراق هم‌چون: بصره، سماوه، دیوانیه، کوت و ناصریه متمرکز شده است (ترابی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۶). مقتدی صدر از ابتدا جیش‌المهدی را به دو جناح تقسیم کرد: جناح بزرگ با حدود ۶۰ هزار نفر شامل افراد و تابعین مقتدا است که وظیفه‌اش ارایه‌ی خدمات زیربنایی آموزشی، بهداشتی و امنیتی است. جناح دیگر، شاخه‌ی نظامی است که مهم‌ترین هدفش مقاومت علیه اشغالگران امریکایی و حمایت از شیعیان و عتبات متبرکه است؛ درعین حال اهرمی برای دستیابی به اهداف سیاسی گروه نیز محسوب می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۲۰۰۸، ص. ۱۱۹).

با ظهور القاعده‌ی عراق در ۲۰۰۴ و انجام عملیات‌های تروریستی علیه شیعیان و عتبات متبرکه، جیش‌المهدی نیز دست به اقدامات متقابل زد. این گروه که تا قبل از خشونت‌های فرقه‌ای چندین جنگ علیه نیروهای امریکایی را برعهده داشت، از سال ۲۰۰۶ به بعد مبارزات خود را برای کنترل بر بغداد و بصره دنبال کرده است (الزبیدی، ۱۳۹۰، ص. ۴۴۰). در همین سال‌ها بود که مقتدی صدر در مسجد کوفه، در حین نماز جمعه، اعلام کرد ارتشی عقیدتی به نام "جیش‌المهدی" تاسیس کرده است که مأموریت آن حمایت از مرجعیت دینی، عتبات مقدسه و حتی حمایت از همه‌ی کسانی است که از سرنگونی رژیم سابق صدمه دیده‌اند. بعد از این سخنرانی، جوانان صدری به این ارتش ملحق شدند (همان، ص. ۲۵۳)؛ به این ترتیب در سراسر کشور نزدیک به ۲۵ هزار تا ۴۰ هزار نفر به عضویت فعال این گروه درآمدند و تعداد زیادی از طرفداران در سراسر کشور - که عمدتاً از جوان‌های ۱۷ تا ۲۳ سال بودند - به منظور حمایت از شیعیان در مقابل گروه‌های رادیکال سنی، در

جایی که دولت توان تامین امنیت و ثبات سیاسی را نداشت، تشکل پیدا کردند (جمعی از نویسندگان، ۲۰۰۸م، ص. ۱۳۰).

درواقع، آن چیزی که منجر به اقبال شیعیان به گروه‌های مسلح می‌شد، ضعف دولت مرکزی در تامین امنیت شیعیان در مقابله با گروه‌های تکفیری و سایر مجرمین بود و این ایده را در میان شیعیان تقویت می‌کرد که باید از خود دفاع کنند. براین اساس، شعارهای جیش‌المهدی مبنی بر دفاع از شیعیان در مقابل گروه‌های مبارز سنی، ایده‌ای پسندیده می‌نمود و حتی در ابتدا مورد حمایت گروه‌های شیعی و عشایر سنی نیز قرار گرفت. این وضعیت، هم به وجود و هم به توسعه‌ی گروه جیش‌المهدی کمک می‌کرد (کوکبرن، ۲۰۱۴م، ص. ۲۶۰).



گروه جیش‌المهدی در مقابله با گروه‌های تکفیری دست به اقدام متقابل علیه سنیان زد؛ برخی نقل‌ها حکایت از این دارند که در سپتامبر ۲۰۰۶، تقریباً ۳۰ نفر از اهل سنت به دست جیش‌المهدی کشته شدند (همان، ص. ۲۹۱). در پی انفجار گنبد حرمین عسکریین در فوریه‌ی ۲۰۰۶، خودروی بمب‌گذاری شده در مدینه‌الصدر میان یک بازارچه‌ی سنی منفجر شد؛ سپس عده‌ای مسلح به چند مسجد اهل سنت در همان اطراف هجوم بردند و تعدادی را کشتند. هیات علمای مسلمین و برخی از گروه‌های اهل سنت، جیش‌المهدی را متهم کردند که ده‌ها مسجد اهل سنت را آتش زده و به محله‌ی "الجهاد" بغداد حمله کرده‌اند که در آن ۵۰۰ نفر کشته شده است (الزبیدی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۲۵۸). علاوه بر این برخی از افراد جیش‌المهدی به مصادره‌ی خانه‌های اهل سنت، اموال، فروشگاه‌ها و مغازه‌ها و خودروهای آنان به بهانه‌ی همکاری و تعاون با گروه‌های خشونت‌گرا اقدام کردند (الخیون، ۲۰۱۱م، ص. ۴۳۲). این گونه خشونت‌ها از سوی دو طرف منجر به وضعیتی شد که طبق آمارها از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ تعداد قربانیان خشونت‌های طایفه‌ای به ۶۵ هزار نفر افزایش یافت و یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر مجبور به مهاجرت از مناطق خود شدند (الزبیدی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۲۲۲).

اقدامات جیش‌المهدی منحصرًا مربوط به مقابله با القاعده نبود، بلکه در سال ۲۰۰۸ درگیری به درگیری با دولت مرکزی نیز منتهی شد. عملیات گسترده‌ی دولت مرکزی موسوم به "صوله الفرسان" در راستای پاکسازی مناطق جنوب از عناصر مسلح انجام یافت و پس از شش روز درگیری خشونت‌بار، که به شهرهای دیگر عراق از جمله پایتخت نیز کشیده شد، حدود ۳۰۰ نفر از عناصر جیش‌المهدی جان باختند و بیش از ۶۰۰ تن



مجروح گردیده و صدها نفر بازداشت شدند. با وساطت آیت‌الله سیستانی، دو طرف آتش‌بس اعلام کردند و مقتدی صدر در بیانیه‌ای انحلال جیش‌المهدی را به آیت‌الله سیستانی و حائری عرضه کرد (همان، ص. ۲۶۰). اما این پایانی بر فعالیت‌های جیش‌المهدی نبود؛ چراکه دور جدیدی از فعالیت‌های سیاسی را در قالب شرکت در انتخابات برای کسب قدرت آغاز کردند. جریان صدر در انتخابات ۲۰۰۶، ۳۰ عضو؛ ۲۰۱۰، ۳۸ عضو، ۲۰۱۴، ۳۴ عضو و در انتخابات ۲۰۱۸ موفق به کسب بیش‌ترین کرسی و پیروزی در انتخابات شده است (میراحمدی و مرزه، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۶).

۳.۳. کردها و مساله‌ی کرکوک

از دیگر گروه‌های شبه‌نظامی که بعد از ۲۰۰۳ به فعالیت‌های گسترده در اقلیم کردستان عراق پرداخت، "پیش‌مرگه" است. این گروه به‌عنوان بازوی نظامی و نیروی اصلی احزاب مبارز کرد - به‌ویژه دو حزب عمده‌ی اتحادیه میهنی به‌رهبری جلال طالبانی و حزب دموکرات کردستان عراق به‌رهبری مسعود بارزانی - عمل می‌کند.

پیش‌مرگه بعد از تشکیل اقلیم کردستان، نیروی نظامی اقلیم شناخته می‌شد. نیروی‌های پیش‌مرگه توانایی‌هایی نظامی و امنیتی قابل‌توجهی دارند. شمار این نیروها حداقل بین ۱۳۰ هزار تا ۲۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود (حاتمی و سانبار، ۱۳۹۶). مهم‌ترین وجه‌تمایز این گروه از دیگر گروه‌های عراقی این است که رویکرد نظامی پیش‌مرگه‌ها متأثر از رویکرد طایفه‌گرایانه است؛ به‌طوری که در هر شرایطی فقط از کردها و سرزمین کرد دفاع می‌کنند.

با سقوط رژیم بعث و پذیرش فدرالیسم، جایگاه کردها در قانون اساسی افزایش یافت و به‌عنوان یکی از سه بازوی اصلی دولت‌سازی در عراق تبدیل شدند تا امید تشکیل دولت ملی ذیل عراق واحد پیش‌ازپیش تقویت شود؛ اما با توجه به تسلط فرهنگ طایفه‌گرایانه‌ی حاکم بر کردها تحقق عملی آن دور از ذهن می‌نمود. کردها از ابتدای تصویب قانون اساسی در مقاطع مختلف با دولت مرکزی منازعه داشته‌اند و از پیش‌مرگه‌ها به‌عنوان ابزاری نظامی برای پیشبرد مطالبات سیاسی استفاده می‌کردند. اگرچه در خصوص تشکیل نیروی نظامی مطابق بند ۱ ماده‌ی ۹ قانون اساسی «تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی در خارج از چارچوب نیروهای مسلح ممنوع است»، اما اقلیم کردستان عملاً سازمان پلیس و نیروی پیش‌مرگه را راه‌اندازی کرد و وضعیت آن‌ها را تثبیت نمود. حتی بعد از سال ۲۰۰۵ تعداد نیروهای پیش‌مرگه را نیز به بیش از دو برابر افزایش داد (خیری، ۱۳۹۶، ص. ۱۸) و با

افزودن بر قدرت نظامی و تسلیحاتی، در کنار حفظ امنیت مناطق کردنشین، پشتوانه‌ای برای طرح مطالبات سیاسی و تاثیرگذاری بر نظام سیاسی ایجاد کرد تا در شرایطی که دولت مرکزی از اداره‌ی کشور ناتوان است، ضمن مذاکره با گروه‌های سیاسی برای شکل‌دهی نظام سیاسی در موضعی برتر از سایر گروه‌های قومی - مذهبی قرار بگیرد (مقصودی، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۷).

مهم‌ترین منازعه‌ی کردی - عربی را می‌توان در مساله‌ی کرکوک مشاهده کرد. قومیت تک‌شکاف فعال در کرکوک است؛ لذا اعراب و کردها بدون توجه به جایگاه مذهبی‌شان، تنها با توجه به قومیت خاص خود در برابر یک‌دیگر صف‌آرایی می‌کنند. یکی از عواملی که بر بحران کرکوک افزوده، سکونت گروه‌های مختلف قومی و نژادی است. مهم‌ترین آن‌ها به ترتیب جمعیت عبارتند از: کرد، عرب، ترکمن، کلدانی و آشوری، مسیحی و یهودی. مساله‌ای که اختلافات عدیده‌ای میان جناح‌های سیاسی ذی‌نفع به وجود آورده است، بازگشت ساکنان اصلی کرکوک به وطن خویش است که در نتیجه‌ی سیاست‌های دولت صدام با عنوان "تعریب" مجبور به ترک شهر خویش شده بودند.

طی سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴، خانواده‌های کُرد که در گذشته در جریان سیاست تعریب از کرکوک تبعید شده بودند، از اوضاع به وجود آمده پس از سقوط صدام استفاده کردند و به زادگاه خویش رجعت نمودند. بازگشت وسیع آن‌ها به کرکوک، تغییر جمعیتی شهر را در پی داشت. بر اساس گزارش گروه بین‌المللی مهاجرت، در سپتامبر ۲۰۰۴، حدود ۱۲ هزار و ۱۳۵ خانواده کُرد به کرکوک و نواحی اطراف آن بازگشتند (نصری و دیگران، ۱۳۹۲). مراجعت سیل‌آسای کردها، موازنه‌ی جمعیتی شهر را برهم زد. این وضعیت علاوه بر غصب مدیریت شهر و دستگاه‌های امنیتی و پلیسی آن توسط دو حزب عمده‌ی کردی، عامل اصلی تشنجات میان اکراد و اعراب شد. از نگاه کردها، کرکوک، قدس عراق است و معتقدند که کرکوک مانند قدس غصب شده است؛ غاصبان آن نیز اعراب هستند؛ لذا باید بازپس گرفته شود (الزبیدی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۲۷۶).

کردها به منظور تحقق این آرمان، با استفاده از شبه‌نظامیان پیشمرگه به دنبال تقابل قومیتی با اعراب برآمده و با معکوس کردن سیاست‌های عربیزاسیون دوره‌ی صدام، از طریق ایجاد ترس و وحشت در میان اعراب، آن‌ها را وادار به ترک کرکوک نمودند (سمیعی اصفهانی و نوروزی نژاد، ۱۳۹۲). اعمال چنین سیاست‌هایی از سوی کردها باعث شد تا اعراب، کردها را به کردی کردن شهر کرکوک متهم کرده و به‌طور مداوم به نفوذ کردها در



کرکوک اعتراض کنند؛ این امر منجر به ایجاد تقابل قومیتی در عراق میان کردها و اعراب شده است.

۴. نزاع گروه‌های خصوصی علیه گروه‌های عمومی

مراد از خشونت گروه خصوصی علیه گروه عمومی، منازعات با دولت یا نهادهای دولتی است. به‌طور کلی در فرایند گذار، کشورهایی که نظام سیاسی آن‌ها واجد ویژگی‌هایی مثل دولت فرومانده استف به‌علت ضعف دولت مرکزی، محیط مناسبی برای ظهور، رشد و قدرت‌یابی بازیگران غیردولتی محسوب می‌شود. در این وضعیت که دولت قادر به تامین امنیت اولیه و اعمال کنترل بر مرزهای خود نیست، زمینه‌ی گسترش خشونت فراهم می‌شود. اوج چنین وضعیتی را می‌توان در مواجهه‌ی داعش با دولت مرکزی و مردم مشاهده کرد.

۴,۱. داعش

یکی از تبعات خلاء قدرت مرکزی بعد از سقوط رژیم بعث، گسترش موج رقابت‌های قومی - مذهبی برای تاثیرگذاری در ساختار قدرت بوده است؛ این گروه‌ها تلاش کرده‌اند با تاکید بر هویت‌های قومی یا مذهبی، به بسیج سیاسی اقدام کنند. طبیعتاً چنین شرایطی یک فضای مناسب برای عاملان قومی جهت بسیج جامعه و عرضه‌ی خشونت به زبان فرقه‌ای بوده است تا بتوانند از بی‌قانونی موجود در جامعه نهایت بهره‌برداری را بکنند. داعش با تکیه بر عامل مذهب و ایده‌ی مبتنی بر قرارداد شیعیان در برابر سنیان، ضمن فرقه‌گرا خواندن دولت عراق، به مبارزه بر علیه دولت و شیعیان در عراق روی آورد. ظهور داعش در آگوست ۲۰۱۴ و تسخیر برخی از مناطق سنی‌نشین، روند جنگ فرقه‌ای در این کشور را شدت بخشید (پوراحمدی و دیگران، ۱۳۹۵).

داعش در آغاز، به سازمان‌دهی ائتلاف گسترده‌ای از نیروهای مخالف دولت پرداخت که مهم‌ترین آن‌ها گروه‌های بعثی و هم‌چنین برخی نیروهای عشایر مخالف دولت بودند. آن‌ها در ادامه دو اقدام را هم‌زمان در پیش گرفتند. نخست، در مارس ۲۰۱۳ شهر رقه و در ژانویه ۲۰۱۴ با بهره‌گیری از اختلافات بین سنی‌ها و دولت مرکزی، شهر فلوجه را در اشغال کردند و مناطقی از شمال شرق عراق در نزدیک مرزهای ترکیه و سوریه را نیز به اختیار خود در آوردند؛ به این ترتیب عراق در بحران سیاسی و بی‌ثباتی قرار گرفت. اقدام دوم داعش، سازمان‌دهی و جذب نیرو به منظور گسترش اقدامات نظامی در عراق بود (کریمی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۶). داعش با جذب نیرو از سراسر جهان و سامان‌دهی این افراد - که

تعداد آن‌ها حدود ۱۰۰ هزار نفر برآورد می‌شد - توانست نیروهای خود را در مناطق مختلف عراق، با تاکید بر مناطق سنی‌نشین سامان‌دهی کند (نجات، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۱).

از مهم‌ترین سیاست‌های داعش برای ایجاد بحران و توجیه اقدامات خشونت‌آمیز، هم‌چنین عامل موثر در موفقیت‌هایی که این گروه در جذب نیرو و نیرو داشته، تولید ادبیات خاصی است که با اصطلاحات کلامی و فقهی بازتولید شده‌اند. تولید و انتشار این‌گونه ادبیات، دستمایه‌ی مناسبی برای گروه‌های افراطی بود تا برپایه‌ی آن، رفتار و عمل خشونت‌آمیز خود را توجیه نمایند و موجبات گسترش آن را فراهم سازند. آنان برای تحقق اهداف خود، فرایند دگرسازی با دیگر اقشار جامعه، به‌ویژه شیعیان را در دستور کار خود قرار دادند و غالباً این دگرسازی‌ها را با استفاده از ادبیات دینی و اسلامی به‌پیش می‌بردند.

در فرآیند دگرسازی داعش، شیعیان در زمره‌ی کفار قلمداد می‌شوند. مطابق این ادبیات، شیعیان کافران اصلی هستند و در کنار آن‌ها، سایر اهل سنت و اهل کتاب نیز مشمول حکم کافر تلقی می‌شوند. درواقع، فتوای داعش مبنی بر بردگی شیعیان، نقطه‌ی اوج فرایند دگرسازی فرقه‌گرایانه است که با قراردادن ایشان در قالب کافر حربی و خارج‌شدگان از دین راستین، حکم بردگی شیعیان - حتی زنان و کودکان‌شان - را نیز صادر می‌کنند (حمیدی و زنگنه، ۱۳۶۹). با این اقدامات بود که داعش توانست فضای عراق را به سمت جنگ مذهبی میان شیعیان و اهل سنت بکشانند و با تحریک احساسات مذهبی، طیف وسیعی از اهل سنت منطقه و جهان را به سوی خود جذب کند.

داعش با تکیه بر مبانی اعتقادی و فقهی خود مانند: "جهاد"، "بیعت"، "هجرت" و "دعوت"، اندیشه‌های خود را براساس یک چارچوب مشخصی حول محور خلافت تتوریزه می‌کند (زارعان، ۱۳۹۶، ص. ۴۵). این جریان تکفیری با شعار "بازگشت به سلف صالح"، خواهان احیای دین است؛ ابزار این مهم را قیام به سیف می‌داند و "جهاد" را طریق تحقق خلافت می‌شمرد. از نظر داعش، انجام هرکاری از طرق قانونی و رسمی یا غیررسمی و مخفیانه، که با هدف مقابله با کفر و ایجاد دولت اسلامی باشد، جهاد محسوب می‌شود (مرادزاده و شاکری، ۱۳۹۵).

از دیگر ابزارهایی که داعش در راستای دگرسازی فرقه‌گرایانه بدان تمسک می‌کند، مکانیزم "تکفیر" است. از نظر آنان، تکفیر ابزاری اساسی برای بسیج علیه کافرانی است که با دعوت آنان مخالفت می‌کنند. با این ابزار، مجوز شرعی حمله به مخالفان صادر می‌شود. از نظر آنان، مخالفان، مشرکانی هستند که خون، اموال و زنان آن‌ها حلال شده



است. بنابراین، تکفیر نه تنها بهانه و توجیهی برای این گروه، بلکه مشخص کننده‌ی هویت آن‌هاست. از نظر داعش، کفر دو نوع است: کفر ابتدایی و ارتداد. در کفر ابتدایی، فرد یا گروهی به واسطه‌ی عدم شناخت حقیقت دین و جوهر ایمان، کافر می‌شوند؛ این نوع کفر درباره‌ی پیروان دیگر ادیان و برخی مذاهب مسلمانان هم چون شیعیان، صوفیه و اباضیه مطرح می‌شود. نوع دیگر کفر، ارتداد است و در مورد کسانی مطرح می‌شود که در گذشته به اسلام ایمان داشتند، اما با انجام کاری از دین خارج شده‌اند و جزو "اهل ردّه" قرار گرفته‌اند؛ با آن‌ها باید همانند مرتدان برخورد شود. از نظر داعش، کسانی که بیعت با امیران این گروه را نپذیرند، کافر مرتد محسوب می‌شوند (ابراهیم، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۶).

داعش توانست بر اساس "فقه التکفیر"، احساسات خشونت‌گرا را با باورهای مذهبی درهم آمیزد و مواجهه‌ی شدیدی با شیعیان را رقم بزند. آن‌ها با تاسیس "خلافت اسلامی" دو نوع جهاد، یعنی جهاد با "کفار دور" (غربی‌ها) و "کفار نزدیک" (رافضی‌ها یا همان شیعیان) را دو هدف اصلی به حساب می‌آورند و در راستای تحقق ایده‌ی خود، بیش از هر وظیفه دیگری بر دو وظیفه‌ی معنوی مهم: یعنی "هجرت" (به معنای مهاجرت به خلافت) و "جهاد" (به معنای پیکار) تاکید می‌ورزند. داعش معتقد است که تنها جهاد خشونت‌آمیز نماد ایمان واقعی است (لونز و کونز، ۱۳۹۵، ص. ۲۹۳).

ابوعمر بغدادی - از رهبران داعش - دلیل تشکیل دولت اسلامی عراق را چنین توصیف می‌کرد:

با اشغال عراق به دست نیروهای آمریکایی، اختلاف قومی و مذهبی در عراق زیاد شد و کردها در شمال عراق و شیعیان در مرکز عراق قدرت‌مند شدند؛ اما اهل سنت مظلوم واقع شده‌اند. هدف از تشکیل این دولت، احقاق حق اهل سنت است. (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۵، ص. ۲۸)

طبق اعلان کمیته‌ی شرعی داعش، رافضی‌ها (شیعیان) طایفه‌ی مشرک و مرتدی هستند و هیچ شیعه‌ای مسلمان نیست؛ لذا کشتن‌شان جایز، بلکه واجب است (همان، ص. ۶). از نظر آنان، شیعیان، مشرک و مرتد هستند و کفرشان بدتر از کفر کافران اصلی است؛ لذا جنگ با مرتدان، واجب‌تر از جنگ با کفار اصلی است (زارعان، ۱۳۹۶، ص. ۵۵).

به این ترتیب، اعتقاد به کفر شیعیان و القای جنگ میان شیعه و سنی، منجر شد که بسیاری از معتقدان به تکفیر برای مهاجرت به عراق متقاعد شوند.

داعش با توجه به مجوزات شرعی‌ای که برای خود تجویز می‌کرد، به اقدامات مخربی نظیر: بمب‌گذاری، قتل، غارت و ترور در سطح گسترده روی آورد و علاوه بر اعلام خصومت

و دشمنی با غرب، شیعیان را دشمن اصلی خود خواند و دولت و ارتش عراق را جیش‌الصفویه نامید که فاقد هویت عربی است (همان، ص. ۸۶). این گروه توانست با بهره‌گیری از اختلافات بین سنی‌ها با دولت مرکزی، کنترل شهر فلوجه را در اختیار گیرد؛ سپس استان‌های الانبار، نینوا، صلاح‌الدین، دیاله و بخش‌هایی از کرکوک را تصرف کند. در مجموع، این گروه توانست یک سوم یا حدود ۱۴۵ هزار کیلومتر مربع از خاک عراق را به کنترل خود درآورد (لونز و کونز، ۱۳۹۵، ص. ۲۹۵).

حضور داعش در عراق، فجایع انسانی و اجتماعی بالایی را به وجود آورده است. براساس گزارشی که در ۱۹ ژانویه ۲۰۱۶ توسط سازمان ملل منتشر شد، حملات داعش در عراق از ۱ ژانویه ۲۰۱۴ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۱۵، دست‌کم ۵۵۰۴۷ نفر تلفات انسانی (۱۸۸۰۲ کشته و ۳۶۲۴۵ نفر مجروح) برجای گذاشته است؛ حدود ۳ میلیون نفر نیز در داخل کشور آواره شدند که یک میلیون نفر آنان کودک می‌باشند. این گروه بسیاری از زیرساخت‌های عراق را از بین برد و زبان‌های جبران‌ناپذیری را بر این کشور وارد کرد (همان، ص. ۲۹۸). حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق، خسارت ناشی از تصرف شهرهای عراق از سوی گروه تروریستی داعش را بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار اعلان کرد (پایگاه برخط الوقت، بی‌تا).

علاوه بر شیعیان، دیگر اقلیت‌های مذهبی نیز هدف حملات داعش بودند. مسیحی‌ها و آشوری‌ها، که حداقل ۳ هزار سال در عراق ساکن بوده‌اند، از موصل رانده شدند؛ خانه‌هایشان بوسیله‌ی حرف عربی "نون" (مخفف ناصری، که اشاره به مسیحی‌ها دارد) علامت‌گذاری شد. داعش سه انتخاب را برای مسیحی‌ها اعلام می‌کرد: یا جزیه، که نوعی مالیات اسلامی در حدود ۴۷۰ دلار است، بپردازند؛ یا به اسلام درآیند و یا کشته شوند.

درگیری با فرقه‌ها به این‌جا ختم نشد و کردها نیز از تهاجم داعش در امان نماندند. در سوم ماه آگوست ۲۰۱۴، مردان مسلح داعش به موطن تاریخی جامعه‌ی کردهای ایزدی در منطقه‌ی "سنجار" یورش بردند. این شهر در کمتر از ۲۴ ساعت، به‌واسطه‌ی عقب‌نشینی نیروهای پیشمرگه به کنترل داعش درآمد. جنگ‌جویان داعش هیچ‌تمایزی میان نظامیان و غیرنظامیان نمی‌گذاشتند. شمار کشته‌ها، زخمی‌ها، گروگان‌ها و ناپدیدشدگان تا به امروز نامشخص است؛ برخی منابع تعداد کشته‌ها را به‌واسطه‌ی اعدام، کشتار، گرسنگی و بی‌آبی در کوه‌ها حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر اعلام کرده‌اند.

با همه‌ی وضعیت بغرنجی که بر مردم عراق گذشت، اما سرانجام موصل در سال ۲۰۱۶ از اشغال داعش آزاد شد. علاوه بر این، برخی از نقاط مرزی عراق با سوریه نیز

پاک‌سازی شدند و در نهایت حیدر العبادی در ۹ دسامبر ۲۰۱۷ به صورت رسمی، پایان خلافت خودخوانده‌ی داعش در عراق را اعلام کرد (پایگاه برخط تبیین، بی تا).

۵. نزاع گروه‌های عمومی علیه خصوصی

گروه‌های عمومی، گروه‌های وابسته به دولت هستند که در بخش‌هایی از ساختارهای حکومتی یا سامانه‌ی سیاسی قرار می‌گیرند. نمونه‌ی مشخص گروه عمومی در منازعات عراق، گروه "حشد شعبی" است که اگرچه نیروی مردمی محسوب می‌شود، ولی به لحاظ قانونی ذیل ساختار حکومت مرکزی عراق قرار دارد.

۵.۱. حشد شعبی

نیروهای داعش از روز نهم ژوئن ۲۰۱۴، با ورود به بخش شرقی موصل شهر را به تصرف درآوردند. نیروهای نظامی عراق قبل از سقوط موصل، شامل صد تیپ فعال از نیروهای تحت فرماندهی ارتش، پلیس فدرال، نیروهای ویژه و مرزبانی بودند که هرکدام حداقل شامل ۲۰۰۰ نفر می‌شدند؛ این سازمان دفاعی ناگهان در نهم ژوئن از هم پاشید. این تعداد نفرات معادل یک چهارم ظرفیت کل نیروهای نظامی عراق بود. این شکست منحصر به ارتش عراق نمی‌شد بلکه نیروهای پیشمرگه نیز با فرار از مقابل داعش، وضعیتی بهتر از ارتش و نهادهای امنیتی دولت مرکزی نداشتند. اقلیم کردستان به واسطه‌ی حمایت‌های آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱، هشت تیپ - یعنی معادل یک چهارم ارتش عراق - را در اختیار داشت. در زمان سقوط موصل، پیشمرگه‌ها نیز به عنوان ساختار امنیتی سازمان یافته توسط آمریکا، علی‌رغم ماهیت چریکی‌شان، از دفع حمله‌ی داعش به اربیل در آگوست ۲۰۱۴ ناتوان بودند (آزاد، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۸).

با توجه به نمایش خشونت‌آمیز داعش علیه شیعیان و تهدید به کشتار آن‌ها و تخریب عتبات متبرکه، برای مقابله با پیشروی داعش به سمت عتبات مقدسه (به خصوص سامرا) اقدامات دفاعی مناسبی لازم بود؛ این اقدام بایسته با توجه به ناکارآمدی ارتش و نیروهای امنیتی عراقی، با حضور مرجعیت شکل دیگری به خود گرفت. آیت‌الله سیستانی، مرجع شیعیان عراق، فتوای تاریخی جهاد را در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۴ صادر کرد. شیخ عبدالمهدی کربلایی در خطبه‌ی نماز جمعه‌ی کربلا، از سوی ایشان، جهاد بر علیه تکفیری‌ها را واجب کفایی اعلام کرد و بیان داشت: «هر کسی می‌تواند سلاح به دست گیرد و هر فردی که توان مقابله با ترویست‌ها را دارد، برای مقابله با آن‌ها داوطلب شود؛ زیرا دفاع از عراق وظیفه‌ی ملی است». در پاسخ به فتوای مرجعیت، هزاران نفر از مردم عراق بسیج مردمی



(الحشد الشعبی) را در سال ۲۰۱۴ شکل دادند (افشون و الله کرم، ۱۳۹۷). چند روز بعد از صدور فتوای جهاد از سوی آیت‌الله سیستانی، مشاور امنیت ملی عراق از تشکیل ساختاری با عنوان مدیریت حشد الشعبی به‌دستور نوری مالکی خبر داد که وظیفه‌ی آن، سازمان‌دهی تعداد انبوه نیروهای داوطلب جهاد بود. در نهایت در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴ به‌دستور نخست‌وزیر وقت، حیدر العبادی، فرمان تشکیل حشد شعبی صادر گردید. وجود چنین شرایط امنیتی‌ای منجر شد تا وزیران در جلسه‌ی مورخ هفتم جولای ۲۰۱۴ مطابق دستور شماره‌ی ۳۳۷، فرمان تشکیل هیئت حشد شعبی را برای بسیج نیرو صادر کنند (آزاد، ۱۳۹۴).

حشد شعبی در ابتدا در راستای تقویت نیروهای امنیتی عراق شکل گرفت و در ادامه، با توجه به عملکرد خوب خود به‌عنوان بدنه‌ی اصلی جنگ علیه داعش شناخته شد. این گروه در مارس ۲۰۱۵، اهداف پنج‌گانه‌ای را به‌شرح ذیل اعلان کردند:

۱. نبرد با داعش و بیرون‌راندن آن از خاک عراق؛
۲. حفاظت از کشور عراق؛
۳. حفاظت از اماکن مقدس؛
۴. آزادی مردم عراق از دست تروریسم؛
۵. کمک به عراقی‌هایی که توان جهاد ندارند (افشون و الله کرم، ۱۳۹۷).

در شرایطی که ساختار امنیتی بازسازی‌شده توسط ایالات متحده‌ی آمریکا، عملاً از تأمین امنیت عراق ناتوان بود، تشکیل حشد شعبی حاکی از پیاده‌سازی الگوی امنیتی مردم‌نهاد در عراق بود و از شکل‌گیری قدرت دفاعی نوپای مردمی نوید می‌داد؛ این الگو به‌سرعت به سایر مناطق عراق نیز تسری یافت.

اقبال به حشد شعبی اختصاص به گروه‌های شیعی نداشت، بلکه تنوع مختلف نژادی و مذهبی در ساختار حشد شعبی تعریف شده بود؛ از تمام گروه‌های کُرد، ترکمن، ایزدی، شیعی و سنی، نیروهایی به‌شکل داوطلبانه به حشد شعبی پیوسته بودند. مطابق برخی آمارها، مجموع نیروهای حشد الشعبی ۱۱۸ هزار نفر تخمین زده می‌شود که از این تعداد، ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر از عشایر اهل تسنن هستند؛ ۳۷۵۰ نفر نیز از ترکمن‌ها می‌باشند (پایگاه برخط دبیرخانه‌ی کنگره‌ی جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری، بی‌تا).

براساس اعلان حشد شعبی، از آغاز تشکیل تا دسامبر ۲۰۱۴، طی ۵۵۰ روز مبارزه و اجرای عملیات‌های مختلف، ۱۹ شهر و ۵۱ روستا به مساحت ۱۷۵۰۰ کیلومتر مربع از



کنترل داعش خارج شدند؛ این میزان معادل یک سوم اراضی اشغال شده بود. این محدوده شامل دو حوزه نفتی "عجیل" و "علاس" بود که داعش معادل ۲۰ هزار بشکه نفت از ۵۰ هزار بشکه نفت استحصال روزانه‌ی خود را از آن استخراج می‌کرد؛ با احتساب قیمت فروش میانگین بین ۱۰ تا ۲۵ دلار برای هر بشکه، ماهانه بین ۶ تا ۲۱ میلیون دلار از این مناطق نصیب داعش می‌شد. حشد شعبی در این مدت تقریباً نیمی از درآمد نفتی داعش را قطع کرد. هم‌چنین تا مارس ۲۰۱۶، طی عملیات دیگری، مساحتی معادل ۵ هزار کیلومتر از اراضی صلاح‌الدین و ثرثار را از سیطره‌ی داعش خارج کرد که ۶۴ منطقه‌ی راهبردی (شامل سه انبار بزرگ مهمات ارتش عراق) در محدوده‌ی آن قرار داشت. به این ترتیب، توانستند راه ارتباطی داعش در بین دو استان نینوا و صلاح‌الدین را قطع کنند (آزاد، ۱۳۹۵، ص. ۸۴).

حشد شعبی، در جریان عملیات‌های: جرف الصخر، آمرلی، فلوجه، بیجی، ضلوعیه، بلد، استان دیاله، الدور، تکریت و دیگر مناطق - به‌ویژه در دو استان صلاح‌الدین و الانبار - و آزادسازی موصل و عملیات حفظ وحدت سرزمینی عراق در پاییز ۲۰۱۷ در کرکوک و حومه، نقش مهمی در امن‌سازی برای جامعه و دولت عراق ایفا کرد (افشون و الله‌کرم، ۱۳۹۷).

بسیج مردمی عراق، از زمان تاسیس توانسته است پرونده‌ی درخشانی را در عرصه‌ی مبارزه با تروریسم و آزادسازی مناطق اشغالی و برقراری امنیت در عراق ارائه کند. حشد شعبی علاوه بر کمک به ارتش و نیروهای امنیتی عراق، از اماکن مذهبی پاسداری کرده و با تهاجم تروریست‌ها و دشمنان مقابله نموده است. با توجه به خدمات شایانی که این گروه در زمینه‌ی تامین امنیت و ایجاد ثبات سیاسی در عراق ارائه کرده، توانسته است در بین مردم و مقامات عراقی از جایگاه خاصی برخوردار شود؛ به‌طوری‌که انتظار می‌رود همین نیرو، اساس تشکیل یک ارتش مردمی و مدرن جدید در دوره‌ی پساداعش در عراق باشد (پایگاه برخط الکوثر تی‌وی، بی‌تا).

دستاوردهای حشد شعبی موجب شده است که برخی گروه‌های سیاسی داخلی و خارجی، فعالیت این گروه مردمی را در تضاد با منافع خود ببینند و چالش‌هایی برای آن‌ها ایجاد کنند. حشد شعبی از ابتدای تاسیس با دو چالش عمده روبه‌رو بوده است: نخست، چالش تعارضات قانونی با نیروهای نظامی و امنیتی رسمی عراق؛ دوم، مخالفت و احساس نگرانی برخی گروه‌های سنی و کرد.

۵.۱.۱. چالش تعارضات قانونی با نیروهای نظامی و امنیتی رسمی عراق

حشد شعبی در حالی بعد از فتوای جهاد تاسیس شد که مطابق تبصره‌ی ب از بند ۲ ماده‌ی ۹ در باب اول قانون اساسی، «تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی خارج از چارچوب قانون، ممنوع است» (قانون اساسی عراق). براین اساس اگرچه تشکیل حشد شعبی در شرایط اضطرار توجیه قانونی مناسبی داشت، اما با رفع اضطرار و دفع خطر داعش فاقد مبنایی لازم برای جلوگیری از بهانه‌گیری سنی‌ها و کردها به‌عنوان معترضان به حشد است. به‌منظور رفع این موانع و چالش قانون "هیئت حشد شعبی و نیروهای تابع آن" در سال ۲۰۱۶ به رای اعضای مجلس گذاشته شد و سرانجام پیش‌نویس قانون جدید با اصلاح عنوان و محتوا با نام "قانون هیئت حشد شعبی" با ۲۰۸ رای از ۲۱۰ عضو حاضر در مجلس به تصویب رسید. براساس ماده‌ی یک این قانون، حشد شعبی به‌عنوان بخشی از نیروهای مسلح عراق به رسمیت شناخته شد و در قالب یک تشکیلات مستقل نظامی و مرتبط با فرماندهی کل قوا به ثبت رسید (آزاد، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۰). بنابر این قانون، کادرسازی و کارهای تشکیلاتی حشد الشعبی تحت اختیار فرماندهی کل نیروهای مسلح (نخست‌وزیر) قرار دارد (پایگاه برخط الکوثر تی‌وی، بی‌تا).

علی‌رغم این که تصویب قانون هیئت حشد شعبی به فعالیت‌های آن‌ها صبغه‌ای قانونی بخشیده شد، اما چالش اصلی این قانون، بحث تابعیت این نیرو از نخست‌وزیر به‌عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح عراق است؛ زیرا اگر در آینده، فردی سکولار به‌عنوان نخست‌وزیر برگزیده شود، این سوال مطرح می‌شود که آیا منجر به تغییر در رویکرد حشد شعبی نخواهد شد؟ این چالش می‌تواند مسیر و آرمان حشد شعبی را تغییر دهد.

۵.۱.۲. مخالفت و احساس نگرانی برخی گروه‌های سنی و کرد

دومین چالش جدی که حشد شعبی با آن مواجه بوده، مخالفت و احساس نگرانی برخی گروه‌های سنی و کرد است. آن‌ها بعد از تشکیل حشد شعبی و عملکرد فوق‌العاده در برابر داعش، نسبت به وجود و توسعه‌ی آن احساس خطر جدی می‌کردند. گروه‌های سنی در جریان مقابله با داعش در مناطق سنی‌نشین به مانع‌تراشی پرداختند. از آغاز عملیات پاک‌سازی مناطق از دست داعش، این‌اتها را مطرح می‌کردند که حشد شعبی یک گروه شبه‌نظامی شیعه است که اهل تسنن را هدف قرار داده و می‌خواهد ترکیب جمعیتی مناطق عراق را تغییر دهد. گروه‌های سنی نیز تحت‌تأثیر این تبلیغات، با ورود حشد شعبی به استان‌های سنی‌نشین برای پاک‌سازی داعش به مخالفت پرداختند و آن را موجب





برهم خوردن قدرت در استان‌های سنی‌نشین بعد از پاک‌سازی داعش دانستند (آزاد، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۵).

کردها نیز کم‌وبیش رویکرد سلبی نسبت به حشد شعبی داشتند و از آن تحت‌عنوان نیروی برهم‌زننده‌ی موازنه‌ی قدرت در عراق صحبت می‌کردند. اگرچه پیشمرگه‌های کرد نیز در کنار حشد شعبی در نبرد علیه داعش جنگیده‌اند، اما یکی از گروه‌های شهادت‌دهنده‌ای بودند که در گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر، حشد شعبی را متهم به پاک‌سازی قومیتی و تغییر جغرافیای اهل سنت نمودند (همان، ص. ۱۲۳). کردها حضور و فعالیت حشد شعبی را به‌ویژه در مناطقی که بر سر آن با دولت مرکزی اختلاف دارند، مانعی برای دستیابی به اهداف خود می‌دانند. درگیری آن‌ها در مناطقی مانند روستاهای بشیر، طوزخورماتو و مناطقی از کرکوک، مؤید این ادعاست. درگیری‌های میان آن‌ها در این مناطق منجر به زخمی و کشته‌شدن تعدادی از نیروهای دو طرف شد؛ این مناقشه با ورود رهبران عراقی و امضای توافقنامه‌ی آتش‌بس فروکش کرد (افشون و الله‌کرم، ۱۳۹۷).

علی‌رغم مخالفت اهل سنت و کردها با ورود حشد شعبی در عرصه‌های سیاسی عراق، اما واقعیت حکایت از آن دارد که حشد شعبی به‌عنوان یک نیروی مردم‌نهاد، فرصتی بی‌نظیر در راستای تحقق امنیت و ثبات سیاسی است که علاوه بر پرکردن خلا امنیتی ناشی از ناکارآمدی ساختار نظامی تعبیه‌شده از سوی آمریکا، توانسته است تهدید را از جامعه و دولت عراق دور کرده و باورمندی به امنیت مردم‌پایه را در میان سیاست‌مداران عراقی ارتقا بخشد. این تغییر نگرش در آینده می‌تواند منجر به ایجاد ساختارهای جدید امنیتی در راستای ثبات سیاسی یا اتکا به ملت شود.

نتیجه

یافته‌های تحلیلی مقاله نشان می‌دهند با در نظر گرفتن ماهیت گروه‌ها و نوع رفتار خشونت‌آمیزی که از خود بروز می‌دهند، می‌توان وضعیت بی‌ثبات سیاسی عراق را تحلیل کرد. عراق جدید به‌لحاظ سیاسی، با وضعیت به‌شدت نامطلوبی از حیث خشونت روبه‌رو بوده است. انحلال ارتش، که حافظ امنیت به حساب می‌آید، هم‌چنین سهم‌خواهی هرکدام از گروه‌ها براساس نگاه طایفه‌گرایانه، به تدریج عراق را وارد معمای ثبات سیاسی کرد. دولت جدید که بیش‌تر نمادی از یک دولت به‌شدت شکننده و ناتوان در تامین امنیت و ثبات سیاسی عراق بوده، اوضاع ناامنی و خشونت را تشدید کرده است.

هرکدام از گروه‌ها با رویکرد طایفه‌گرایانه به‌منظور تامین امنیت گروه خود، به تشکیل

گروه‌های شبه‌نظامی و متقابل علیه دیگری پرداخته‌اند؛ برآیند این وضع ایجاد رقابت‌های قومی- مذهبی است که به شکل‌گیری سطح جدیدی از خشونت میان گروه‌های خصوصی علیه سایر گروه‌های خصوصی (مانند اقدامات القاعده علیه گروه‌های شیعی) انجامیده است. جیش‌المهدی به‌منظور حمایت از شیعیان و عتبات متبرکه، اقدامات متقابلی را علیه القاعده انجام داد. از سوی دیگر، منازعه کرد-عرب در منطقه‌ی کرکوک تشدید شد و کردها با استفاده از نیروی پیشمرگه به تهدید اعراب و گروه‌های دیگر پرداختند. برآیند این اوضاع، کشمکش‌های خشونت‌بار قومی- مذهبی است.

عراق جدید در مقطعی دیگر با ظهور داعش، خشونت گروه‌های خصوصی علیه گروه‌های عمومی را نیز شاهد بوده است. داعش با استفاده از ادبیات دینی و ایده‌ی مبتنی بر قرارداد شیعیان در برابر سنیان از طریق دگرسازی با آنان و فرقه‌گراخواندن دولت شیعی عراق، به مبارزه علیه آن‌ها پرداخت. مواجهه با داعش منجر به شکل‌گیری گروه عمومی در قالب حشد شعبی شد که علی‌رغم مردم‌پایه‌بودن، توانست فرصتی بی‌نظیری در راستای تحقق امنیت و ثبات سیاسی در عراق ایجاد کند؛ با این وجود، این نیروی مردمی با چالش‌هایی از ناحیه‌ی دو گروه کرد و سنی مواجه بوده است. مجموع این شرایط، چالشی‌های جدی‌ای را برای دولت جهت تحقق ثبات سیاسی در عراق جدید به‌وجود آورده است.



منابع

- ابراهیم، ف. (۱۳۹۶). داعش؛ نوستالوژی خلافت. (م.ر. بلوردی و م. فرهادی، مترجمین). تهران: اندیشه سازان نور.
- ابراهیم‌نژاد، م. (۱۳۹۵). داعش. قم: دار الاعمالم.
- احمدی، ح. (۱۳۸۵). دموکراسی انجمنی و ثبات سیاسی در جوامع ناهمگون: بررسی تجربه لبنان. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- اسدی، ع.ا. (۱۳۸۸). ظهور و افول القاعده در عراق. در فصلنامه راهبرد، شماره ۵۱.
- اسماعیلی، ح.ر. (۱۳۹۰). القاعده، از پندار تا پدیدار. تهران: موسسه اندیشه‌سازان نور.
- افشون، ت. و الله‌کرم، ع.ح. (۱۳۹۷). مقایسه‌ی رویکرد امنیتی آمریکا و حشد شعبی در عراق؛ عملکرد و چشم‌انداز. در فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۴۲.
- آزاد، ا.ح. (۱۳۹۵). سایه‌روشن حشد الشعبی. تهران: موسسه اندیشه‌سازان نور.
- آزاد، ا.ح. (۱۳۹۴). الگوی مطلوب در عراق: حشد شعبی و آسیب‌پذیری‌های آن. در مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۴.
- پورا احمدی، ح؛ غفاری‌نژاد، م. و کاظمی، ح. (۱۳۹۵). دموکراسی با زور و چالش‌های فراوی آن در عراق. در هیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۸، شماره ۱.
- تاجیک، م.ر. (۱۳۹۷). بررسی ساختار تشکیلات گروه‌های تروریستی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی
- ترابی، م؛ شیرخانی، ع. و حسینی، س.ر. (۱۳۹۳). شیعیان عراق پس از ۲۰۰۳ میلادی. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۲۰۰۸م). عراق تحت الاحتلال. بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.
- چارلز، ت. (۱۳۸۵). از بسیج تا انقلاب. (ع. مرشدی‌زاده، مترجم). تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حاتمی، م.ر. و سانیار، م. (۱۳۶۹). همه‌پرسی اقلیم کردستان؛ منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل. در فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷۶.
- حمیدی، س. و زنگنه، پ. (۱۳۶۹). تبارشناسی دگرستیزی گروه‌های افراطی تکفیری: گذار از دیگر دگرسازی به خوددگرسازی. در فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۳۲.
- خیری، م. (۱۳۹۶). سیاست خارجی ترکیه در قبال اقلیم کردستان. تبریز: اختر.
- الخیون، ر. (۲۰۱۱م). مائه عام من الاسلام السیاسی بالعراق الشیعه. المسبار.



- زارعان، ا. (۱۳۹۶). *داعش؛ معمای جذب*. تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- الزبیدی، ح. ل. (۱۳۹۰). *دایرةالمعارف احزاب در عراق*. (ع. محقق، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- الزبیدی، ح. ل. و دیگران (۱۳۹۵). *عراق در جست‌وجوی آینده*. (ع. شمس، مترجم). تهران: اندیشه‌سازان نور.
- ساندرز، د. (۱۳۸۰). *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*. (ح. امانت، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سمیعی اصفهانی، ع. ر. و نوروزی نژاد، ج. (۱۳۹۲). *دولت‌سازی بین‌المللی و خشونت سیاسی در عراق جدید*. در پژوهش‌نامه‌ی ایرانی سیاست بین‌الملل، سال دوم، شماره ۱.
- قانون اساسی عراق
- کریمی، س. (۱۳۹۴). *نحوه و چگونگی پیدایش و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی: بررسی موردی دولت اسلامی عراق و شام*. در ماهنامه‌ی پژوهش ملل، دوره اول، شماره دوم.
- کوکبرن، پ. (۲۰۱۴م). *مقتدی الصدر صحنه‌ی شیعه و الصراع علی العراق*. (ح. ن. نصر، مترجم). بیروت: الشركة البنائیه لتوزیع الصحف و المطبوعات.
- گلچین، ع. و امیری‌مقدم، ر. (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی امنیتی در عراق*. تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- لونز، ج. م. و کونز، ب. (۱۳۹۵). *تروریسم و تکفیر*. (م. بیژنی، مترجم). تهران: موسسه اندیشه‌سازان نور.
- محمودیان، م. (۱۳۹۰). *بنیادهای فکری القاعده*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- مرادزاده، ن. و شاکری خوئی، ا. (۱۳۹۵). *نقش فرهنگ سیاسی بر شکل‌گیری و تکوین جریان‌های تکفیری و سلفی در خاورمیانه: مطالعه موردی عراق و سوریه*. در فصلنامه‌ی *مطالعات جامعه‌شناسی*، شماره ۳۲.
- مستقیمی، ب. و ابراهیمی، ن. ا. (۱۳۸۹). *مبانی و مفاهیم اسلام سیاسی القاعده*. در فصلنامه *سیاست*، دوره ۴۰، شماره ۳.
- مقصودی، م. (۱۳۸۴). *نقش گروه‌های قومی در شکل‌دهی به نظام سیاسی عراق در عراق پس از سقوط بغداد*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه.
- مهدی‌بخشی، ش. ا. (۰). *جهاد از ابن‌تیمیه تا بن‌لادن*. در فصلنامه‌ی *راهبرد*، شماره ۳۹.
- مؤمنی بنفشه، م. ر.؛ رستمی، آ. و رحیمی، ا. (۱۳۹۵). *مطالعه‌ی جریان‌های افراطی‌گری*

- اسلامی: مطالعه موردی داعش. در: فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال سی‌ام، شماره ۲.
- میراحمدی، م. و مرزوه، م.ح. (۱۳۹۶). جریان‌های فکری سیاسی اسلامی عراق پس از ۲۰۰۳. در فصلنامه‌ی علوم سیاسی، شماره ۷۷.
- نجات، س.ع. (۱۳۹۴). کالبد شکافی داعش. تهران: ابرار معاصر.
- نصری، ق؛ سلیمی، آ و ولدبیگی، آ. (۱۳۹۲). جایگاه کرکوک در معادلات راهبردی عراق. در فصلنامه علمی - پژوهشی آفاق امنیت، شماره نوزدهم.
- Eckstein, h. (1971). *the evaluation of political performance: problems and dimensions*. London: sage.

– منابع برخط

– پایگاه برخط الکوثر تی‌وی. (بی‌تا). بازیابی شده از:

<http://fa.alkawthartv.com/news/124977>.

– پایگاه برخط الوقت. (بی‌تا). بازیابی شده از:

<http://alwaght.com/fa/News/116751>.

– پایگاه برخط بنیاد صلح (بی‌تا). بازیابی شده از: <http://fundforpeace.org>

– پایگاه برخط تبیین. (بی‌تا). بازیابی شده از: <http://tabyincenter.ir/24731>

– پایگاه برخط دبیرخانه‌ی کنگره‌ی جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری.

(بی‌تا). بازیابی شده از: <http://makhaterltakfir.com/fa/Article/View/326>

پایگاه برخط IBC. (بی‌تا). بازیابی شده از:

[https://www.iraqbodycount\(IBC\).org/database](https://www.iraqbodycount(IBC).org/database).



References

- Iraq constitution. [in Arabic]
- Afshon, T., & Allahkaram, A. H. (2018). Comparison and conflict of us- heshad al-sha'bi security approach in Iraq; procedure and perspective. *Studies of International Relations Journal*, 11(42), 41-72. [in Persian]
- Ahmadi, H. (2006). *Associative democracy and political stability in heterogeneous societies: A review of the Lebanese experience*. Tehran: Scientific Research and Middle East Strategic Studies Center. [in Persian]
- al-Khayon, R. (2011). *A hundred years of political Islam in Shiite Iraq*. Dubai: al-Mesbar. [in Persian]
- al-Zubaidi, A. (2011). *Encyclopedia of parties in Iraq*. (A. Mohaqeq, Trans.). Tehran: Imam Sadiq (PBUH) University. [in Persian]
- al-Zubaidi, H., Muhammad al-Ebadi, N., & Lafi al-Sa'doun, A. (2016). *Iraq in search of the future*. (A. Shams, Trans.). Tehran: Andishe Sazan-e Noor. [in Persian]
- Asadi, A. A. (2009). Rise and fall of al-Qaeda in Iraq. *Journal of Strategy*, 18(51), 233-248. [in Persian]
- Azad, A. H. (2015). Optimal model in Iraq, People's Mobilization and its vulnerabilities. *Strategic Studies of the Islamic World*, 16(4), 51-80. [in Persian]
- Azad, A. H. (2016). *Penumbra of Hashd al-Shaabi*. Tehran: Andishe Sazan-e Noor. [in Persian]
- Bakhshi Sheikh Ahmad, M. (2006). Jihad from Ibn Taymiyyah to bin Laden. *Journal of Strategy*, 39, 193-214. [in Persian]
- Cockburn, P. (2014). *Muqtada, Muqtada Al-Sadr, the Shia revival, and the struggle for Iraq*. (H. N. Nasr, Trans.). Beirut: Lebanese Company for the distribution of newspapers and publications. [in Persian]

- Eckstein, H. (1971). *The evaluation of political performance: problems and dimensions*. London: Sage Publications.
- Golchin, A., & Amiri Moqadam, R. (2018). *Iraq's security sociology*. Tehran: National Intelligence and Security University. [in Persian]
- Group of authors. (2008). *Iraq under occupation*. Beirut: Center for Arab Unity Studies. [in Arabic]
- Hamidi, S., & Zangeneh, P. (1990). Genealogy of xenophobia among takfiri-extremist groups: transition from other transformation to selftransformation. *Strategic Research of Politics*, 6(23), 161-184. [in Persian]
- Hatami, M. R., & Sanyar, M. (1990). Referendum in the Kurdistan region of Iraq; root causes and obstacles of establishing an independent state. *Strategic Studies*, 20(76), 85-112. [in Persian]
- Ibrahim, F. (2017). *ISIS - Nostalgia for the Caliphate*. (M. R. Balvardi & M. Farhadi, Trans.). Tehran: Andishe Sazan-e Noor. [in Persian]
- Ibrahimnezhad, M. (2016). *ISIS*. Qom: Darolelam. [in Persian]
- Ismaili, H. R. (2011). *Alqaeeda from myth to phenomeno*. Tehran: Andishe Sazan-e Noor. [in Persian]
- Karimi, N. (2015). How terrorist groups are formed. *International Journal of Nations Research*, 1(2). [in Persian]
- Kheiri, M. (2017). *Turkey's foreign policy towards the Kurdistan Region*. Tabriz: Akhtar. [in Persian]
- Lutz, J. M., & Lutz, B. J. (2016). *Terrorism: origins and evolution*. (M. Bijani, Trans.). Tehran: Andishe Sazan-e Noor. [in Persian]
- Mahmoudian, M. (2011). *Al-Qaeda's intellectual foundations*. Tehran: Imam Sadiq (PBUH) University. [in Persian]
- Maqsoudi, M. (2005). The role of ethnic groups in shaping the Iraqi political system. *In Iraq after the fall of Baghdad* (pp. 121-147).



Tehran: Political and International Studies Office of the Ministry of Foreign Affairs. [in Persian]

- Mirahmadi, M., & Marzeh, M. H. (2017). The intellectual Political Islamic Trends after 2003. *Political Science*, 20(77), 75-98. [in Persian]
- Momeni, M. R., Rostami, B., & Rahimi Lahi, (2016). The radical Islamist currents: ISIS as a case study. *Journal of Foreign Policy*, 30(2), 61-83. [in Persian]
- Moradzadeh, N., & Shakeri Khoei, A. (2016). The role of political culture on the formation and development of the Takfiri and salafi currents in Middle East (case study: Iraq and Syria). *The Journal of Sociology Studies*, 9(32), 107-121. [in Persian]
- Mostaghimi, B., & Ebrahimi, N. (2010). al-Qaida political islam and its concepts and principles. *Politic Quarterly*, 40(3), 337-355. [in Persian]
- Nasri, Q., Salimi, A., & Valadbeigi, A. (2014). The position of Kirkuk in Iraq's strategic equations: focusing on key issues and agents of change. *Security horizons*, 5(19), 167-198. [in Persian]
- Nejat, S. A. (2015). *Autopsy of ISIS*. Tehran: Tehran International Studies and Research Institute. [in Persian]
- Pourahmadi, H., Ghafarinezhad, M., & Kazemi, H. (2016). Democracy by force and its challenges in Iraq. *Political and International Approaches*, 8(1), 71-95. [in Persian]
- Samii Isfahani, A. R., & Noruzi Nejad, J. (2013). International nation-state building and political violence in new Iraq. *Iranian Research Letter of International Politics*, 2(1), 121-95. [in Persian]
- Sanders, D. (2001). *Patterns of political instability*. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. [in Persian]
- Tajik, M. R. (2018). *Investigating the structure of terrorist groups*. Tehran: Islamic Azad University. [in Persian]

- Tilly, Ch. (2006). *From mobilization to revolution*. (A. Morshedizadeh, Trans.). Tehran: Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution. [in Persian]
- Torabi, M., Shirkhani, A., & Hussaini, S. R. (2014). *Iraqi Shiites after 2003*. Qom: Assembly of Islamic Reserves. [in Persian]
- Zarean, A. (2017). *ISIS; the riddle of absorption*. Tehran: Andishe Sazan-e Noor. [in Persian]
- Get to know Popular Mobilization Forces (al-Hashd ash-Sha'abi). (2018). Retrieved from <http://fa.alkawthartv.com/news/124977>. [in Persian]
- How much has ISIL suffered in Iraq? (2018). Retrieved from <http://alwaght.com/fa/News/116751>. [in Persian]
- Fund for Peace. (n.d.). Retrieved from <http://fundforpeace.org>
- US military presence in Iraq again; past readjustment, progressive goals. (2018). Retrieved from <http://tabyincenter.ir/24731>. [in Persian]
- The Secretariat of the World Congress against Extremism and Takfiri Movements. (2017). Retrieved from <http://makhaterltakfir.com/fa/Article/View/326>. [in Persian]
- Iraq Body Count. (n.d.). Retrieved from <https://www.iraqbodycount.org/database>

